

اقتصاد غیر زراعی: گزیداری در راستای توسعه پایدار روستایی و کاهش فقر

طاهر عزیزی خالخیلی و غلامحسین زمانی^۱

چکیده

فعالیت غالب مناطق روستایی ایران، مانند اکثر کشورهای دنیا، فعالیت‌های زراعی می‌باشد، اما با توجه به رشد جمعیت و پتانسیل محدود این بخش برای جذب نیروی کار جدید، ناگزیر باید به دنبال مکمل‌های دیگری برای اشتغال و ایجاد درآمد برای روستائیان بود. در اکثر نقاط جهان در دهه‌های اخیر، فعالیت‌های غیر زراعی در مناطق روستایی رشد قابل توجهی داشته است و نقش آن در توسعه روستایی بسیار با اهمیت شده و ایجاد تنوع در استراتژیهای معیشتی خانوارهای روستایی توسط بسیاری از دست اندرکاران توسعه مد نظر قرار گرفته است. ایجاد تنوع می‌تواند تأثیرات متفاوتی روی توانایی افراد فقیر برای کسب درآمد کافی و شکاف طبقاتی در مناطق روستایی داشته باشد لذا نیاز به بررسی دقیق و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری درست می‌باشد تا بتوان از پتانسیل فعالیت غیرزراعی برای منفعت‌رسانی و بهبود شرایط روستائیان به خصوص افراد فقیر، استفاده کرد تا خانوارهای روستایی نقش پر رنگ‌تری در اقتصاد آینده کشور ایفا کنند. در این مطالعه که به روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شد، به مواردی از جمله اقتصاد روستایی ایران، مفهوم تنوع و تنوع اقتصادی، عوامل تعیین کننده تنوع اقتصادی، مراحل توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی، ارتباط درآمد غیر زراعی با بخش کشاورزی، تأثیرات اقتصاد غیر زراعی روی معیشت، ارتباط درآمد غیر زراعی با مهاجرت روستائیان، و خط‌مشی‌های مرتبط با تنوع اقتصادی پرداخته شد. در پایان پس از تحلیل و نتیجه‌گیری، پیشنهادهای عملی ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد غیر زراعی، توسعه پایدار، فقر روستایی

مقدمه

اگر چه توسعه روستایی به عنوان محور تلاش‌های توسعه مطرح بوده است، اما فقر در مناطق روستایی از بین نرفته و سرمایه‌گذاری‌ها با موفقیت مطلوبی همراه نشده است. توسعه روستایی وضع نگران کننده‌ای دارد و شواهد از تداوم فقر روستایی حکایت دارد، تخمین زده می‌شود که ۷۵ درصد از ۱/۲ میلیارد نفری که با روزی کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند در مناطق روستایی زندگی و کار می‌کنند (Ashley & Maxwell, 2001).

هر چند اکثر خانوارهای روستایی درگیر فعالیت‌های زراعی هستند ولی در دهه‌های اخیر فعالیت‌های غیر زراعی در مناطق روستایی به طور قابل توجهی رشد داشته است و نقش آن در توسعه روستایی به طور فزاینده‌ای با اهمیت شده است (Oseni, 2007). شواهد دهه گذشته از بیشتر قاره‌ها، بیان‌گر این است که سهم منابع غیر زراعی در درآمد خانوارها در حال افزایش است. بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که منابع غیر زراعی ۴۵-۴۰ درصد درآمد خانوارها را در آفریقا و آمریکای لاتین و ۴۰-۳۰ درصد درآمد خانوارها را در آسیای جنوبی تشکیل می‌دهد که اکثر این درآمدها از منابع بومی بدست می‌آید نه به واسطه مهاجرت به شهرها. البته اکثر این درآمدها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط با کشاورزی می‌باشند (Ashley & Maxwell, 2001).

^۲ به ترتیب دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی و استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

داشتن چندین کار یک موضوع مهم در ادبیات تحقیق مربوط به واحدهای اقتصادی کوچک شده است (Carter, 1999). افزایش حق انتخاب‌های بقاء برای فقراء روستایی دلیل اصلی است که تنوع در بخش روستایی توسط بسیاری از محققان به عنوان هدف مهم خط‌مشی‌های توسعه به آن توجه می‌شود (Ellis, 1998)، همچنین برای این‌که خانوارهای روستایی نقش پر رنگی در اقتصاد آینده ایفا کنند، باید تعداد زیادی از کسانی که روی مزرعه کار می‌کنند، کاهش یابند و به فعالیت‌های دیگر بپردازند (Johnson, 2002).

این انگاره‌های تنوع، نوید تغییر در ساختار اقتصادی-اجتماعی روستا را می‌دهد. اما چطور دولت‌ها باید به این تغییرات پاسخ دهند و بخش‌های غیر زراعی را در مناطق روستایی حمایت کنند؟ پاسخ به این سوال نیاز به درک بیشتر از پویایی تنوع و تکامل اقتصاد روستایی غیر زراعی و همچنین نیاز به ارزیابی دقیق و واقعی پتانسیل اقتصاد غیر زراعی برای کاهش فقر روستایی دارد. در این مقاله ابتدا مفهوم تنوع و تنوع اقتصادی توضیح داده می‌شود و در ادامه به عوامل تعیین کننده تنوع، مراحل توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی، ارتباط آن با بخش کشاورزی و تأثیر آن روی معیشت روستائیان و مهاجرت روستائیان، و خط‌مشی‌های مرتبط با تنوع اقتصادی پرداخته می‌شود و در پایان پس از تحلیل و نتیجه‌گیری، پیشنهادها و اجرایی ارائه می‌گردد.

مبانی نظری تحقیق

فعالیت‌های غیر زراعی به فعالیت‌های اطلاق می‌شود که به طور مستقیم از زراعت، باغداری یا دامداری سرچشمه نمی‌گیرند و درآمدهای حاصل از این فعالیت‌ها را درآمد غیر زراعی گویند. پاسبان (۱۳۸۶) به نقل از سینگ^۲، بیان می‌کند که بر اساس نیروی انسانی شاغل در فعالیت‌های غیر زراعی و رابطه آن با بخش کشاورزی، این فعالیت‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست آن دسته از فعالیت‌هایی که از جهت به‌کارگیری نیروی کار با بخش کشاورزی در حال رقابت هستند و دوم آن دسته از فعالیت‌های که مکمل کشاورزی به شمار می‌آیند و در واقع در زمان رکود کشاورزی به آنها پرداخته می‌شود و بر اساس نیاز بازار کار با کشاورزی مرتبط هستند.

شفیعی ثابت و همکاران (۱۳۸۶) با انجام تحقیقی در زمینه اشتغال در مناطق روستایی استان تهران نتیجه‌گیری می‌کنند که:

- ۱- فعالیت‌های کشاورزی و دامی باعث گسترش صنایع تبدیلی و کارگاهی در روستاها نشده است.
 - ۲- توان‌مندی محیط روستا در افزایش اشتغال مؤثر بوده است.
 - ۳- توانایی و مهارت فعالان روستا موجب افزایش اشتغال در نقاط روستایی شده است.
 - ۴- زیر بناهای محیط روستا تأثیر معنی‌داری در افزایش فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی در نقاط روستایی دارد.
 - ۵- میزان وام اقتصادی توزیع شده تأثیر معنی‌داری بر افزایش فعالیت‌های غیر کشاورزی در نقاط روستایی دارد.
- پاسبان (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال غیر زراعی در استان خراسان می‌پردازد و بیان می‌کند اثر سرمایه‌گذاری، درآمد و سن بر احتمال انتخاب شغل غیر زراعی منفی و اثر جنسیت و سواد مثبت می‌باشد، لذا توجه به برنامه‌های آموزشی (همگانی و تخصصی) به منظور توسعه مشاغل غیر زراعی در روستاها ضروری است. همچنین از نظر طبقه‌بندی مشاغل، ۴۷/۵ درصد مشاغل زراعی و ۵۲/۵ درصد مشاغل غیر زراعی بودند که نشان‌دهنده آن است که روستا تنها شامل مشاغل زراعی نبوده، بلکه می‌تواند طیف وسیعی از مشاغل غیر زراعی را در خود جای دهد.

² . Singh

روش تحقیق

این تحقیق به روش اسنادی و کتابخانه‌ای^۳ انجام شده است. تحقیقات اسنادی یا کتابخانه‌ای شامل بررسی مجدد مواد موجود است که در آن منابع گسترده‌ای از یافته‌های تولید شده در زمینه‌های گوناگون به کار برده می‌شود تا سؤالات، فرضیه‌ها و علائق رایج پاسخ داده شود. یک مزیت برجسته تحقیقات اسنادی این است که چون اغلب داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده، برای هدف دیگری غیر از هدف تحقیق در حال اجرا، جمع‌آوری شده است بنابراین امکان سوگیری در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات وجود ندارد (Jones, 1985).

اقتصاد روستایی ایران

طبق آمار مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، جمعیت روستایی کشور از ۲۳۲۳۷۶۹۹ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۲۲۳۵۸۱۸ نفر در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. بررسی روند تغییرات در بخش کشاورزی کاهش سهم اشتغال در این بخش را نشان می‌دهد (بلالی و خلیلیان، ۱۳۸۲)، و این در حالی است که نرخ بیکاری در مناطق روستایی از ۱۴/۳ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۸/۹ درصد در بهمن ماه ۱۳۸۴ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶)، که نشان دهنده افزایش اشتغال در بخش غیر کشاورزی می‌باشد. در ایران به موازات گسترش اقتصاد شهری و آزادسازی اقتصادی در سطح کلان، نرخ رشد درآمد در مناطق شهری سرعت گرفته و مشکل نابرابری درآمدهای شهری و روستایی جدی‌تر شده است (ویلیام مور، ۱۳۸۳). به رغم اختصاص بخش بالایی از فعالیت مناطق روستایی کشور به کشاورزی، شاغلان این بخش وضعیت مناسبی ندارند (عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳)، و به علت کم بودن درآمد کشاورزی امکان پس‌انداز آنها بسیار محدود است، و نیاز به سرمایه یا اعتبارات به منظور دسترسی به خدمات و نهاده‌های جدید برای گذار از کشاورزی سنتی و همچنین هزینه‌های عادی تولید بیشتر گردید (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴؛ نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴). شاخص‌هایی نظیر فقر، نرخ مهاجرت از روستا و درآمد سرانه و نظایر آن حکایت از عمق توسعه نیافتگی جوامع روستایی دارد (حسن زاده و قویدل، ۱۳۸۴).

ارضروم چیلر (۱۳۸۴) با انجام مطالعه‌ای بیان می‌کند که طی سالهای برنامه اول تا سال‌های سپری شده از برنامه سوم (سال ۱۳۸۰) استراتژی مشخصی برای کاهش و زدودن فقر در مناطق روستایی طراحی و اجرا نشده است، چرا که روند کاهش فقر به صورتی با ثبات به چشم نمی‌خورد و در مناطق مختلف کشور دچار نوسانات میزان فقر هستیم.

جعفری ثانی و بخشوده (۱۳۸۶) در تحقیقی به مقایسه فقر و ناامنی غذایی خانوارهای روستایی و شهری استان خراسان می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که در مناطق روستایی به طور متوسط ۲۵/۱۴ درصد فقیر، ۱۳/۳۱ درصد از لحاظ کالری مورد نیاز بدن و ۳۱/۳۹ درصد از لحاظ دسترسی به پروتئین مورد نیاز دارای کمبود هستند.

درصد با سوادان در جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر در مناطق روستایی از ۶۹/۶۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۵/۲۰ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

مفهوم تنوع و تنوع اقتصادی

استارت (Start, 2001) بیان می‌کند که تنوع^۴ می‌تواند به معنی ترکیب یا تعدد فعالیت‌ها، بدون توجه به بخشی که فعالیت در آن انجام می‌شود باشد، یا به معنی تغییر از بخش سنتی (مثل کشاورزی) به بخش غیر سنتی (اغلب فعالیت‌های غیر زراعی) باشد (در این مقاله بیشتر معنی دوم تنوع مد نظر است). تنوع می‌تواند در سطوح مختلف اقتصادی اتفاق بیافتد. تنوع در سطح اقتصاد

^۳ . Archival and Library method

^۴ . Diversification

روستا (که منجر به توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی می‌شود) جدا از تنوع در اقتصاد خانوار یا فرد (که به معنی توسعه سهم درآمد غیر زراعی است) می‌باشد. بین این سطوح ارتباط وجود دارد ولی این ارتباط همیشه به صورت مستقیم نیست. تنوع درآمد به معنی ترکیب درآمدهای خانوار در یک زمان معین می‌باشد ولی باید توجه شود که تنوع معیشت به معنای تنوع درآمد نیست. تنوع معیشت به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که خانوارهای روستایی سبدهای متنوعی از فعالیت‌ها و حمایت‌های اجتماعی ممکن را برای بقاء و بهبود استاندارد زندگی خود ایجاد می‌کنند. بنابراین معیشت تنها درآمد نیست، درآمد به معنای درآمد نقدی به علاوه پرداخت غیر نقدی می‌باشد، معیشت همچنین شامل دسترسی و بهره‌مندی از خدمات عمومی و اجتماعی مثل آموزش، خدمات سلامتی، جاده‌ها، تأمین آب و غیره می‌باشد که توسط دولت تأمین می‌گردد (Ellis, 1998).

عوامل تعیین کننده تنوع

در توضیح این که چرا تنوع اتفاق می‌افتد و الگوهای تنوع که مشاهده می‌شود، دامنه‌ای گسترده از فشارها و انگیزه‌های متفاوت می‌توانند تأثیر گذار باشند. برخی از تعیین کننده‌های مهم تنوع عبارتند از (Ellis, 1998):

فصلی بودن کار: خانوارهای روستایی با فصلی بودن به عنوان یک مشخصه ذاتی معیشت خود مواجه هستند. فصلی بودن بسیاری از شکل‌های تنوع در درآمدهای خانوارهای روستایی را توضیح می‌دهد. فصلی بودن بدین معنا است که نیروی کار مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های درون مزرعه‌ای و کار در خارج از مزرعه در طول سال به علت تغییرات فصلی، تغییر می‌کند. فصلی بودن بازار نیروی کار روستایی تحت تأثیر مکان، زمان، مهارت‌ها، جنس و محدودیت‌های فرهنگی می‌باشد.

استراتژی کاهش ریسک: کاهش ریسک اغلب به عنوان انگیزه اولیه برای تنوع درآمد مطرح می‌شود. تنوع درآمد به عنوان استراتژی کاهش ریسک معمولاً شامل یک سبک و سنگین⁵ کردن بین یک درآمد بالا با احتمال خطر بالا، یا یک درآمد کمتر با احتمال خطر کمتر می‌باشد. البته در برخی موارد تنوع در محصولات مزرعه باعث افزایش مزایای آن و افزایش درآمد می‌شود.

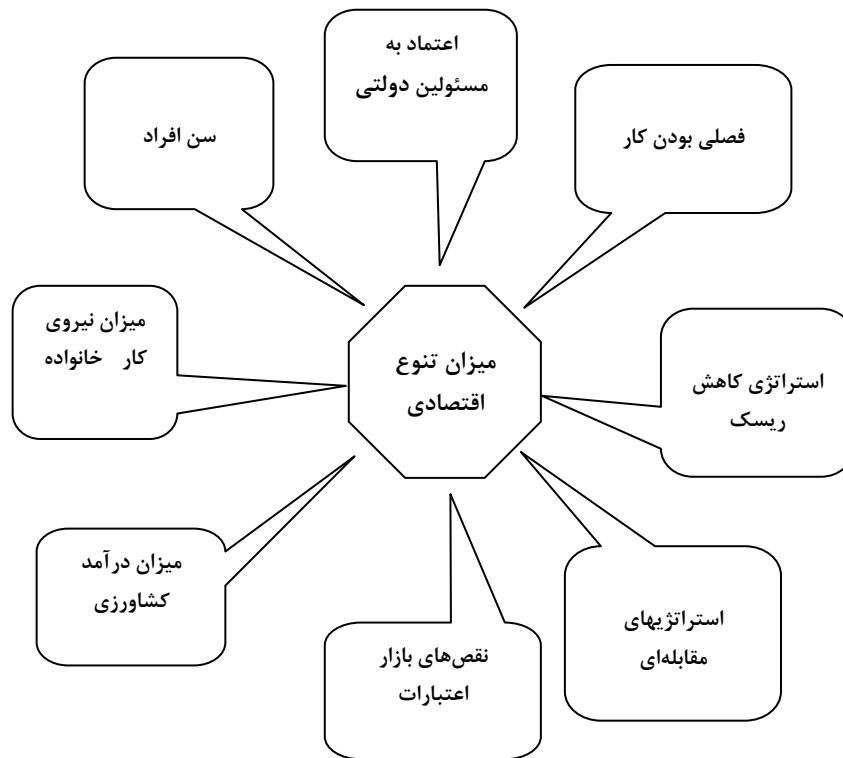
استراتژیهای مقابله‌ای: در ارتباط با تمایز بین استراتژیهای ریسک و استراتژیهای مقابله‌ای به عنوان تعیین کننده‌های تنوع می‌توان به این نکته اشاره کرد که مدیریت ریسک قبل از بحران است و استراتژیهای مقابله‌ای بعد از وقوع بحران می‌باشد. رفتارهای مقابله‌ای معمولاً به دنبال حفاظت از توانایی تولید درآمد خانوار در آینده است، حتی اگر مصرف عادی خانوار دچار اختلال شود. گرچه رفتار مقابله‌ای معمولاً به عنوان یکی از تعیین کننده تنوع درآمد مطرح می‌شود ولی پاسخ‌های برنامه‌ریزی نشده به بحران‌ها ممکن است باعث جستجوی منابع درآمد جدید در مراحل اولیه و در مراحل بعدی فروش اجباری دارایی‌ها و تغییر برگشت ناپذیر معیشت آینده خانواده گردد.

نقص‌های بازار اعتبارات: بعضی از محققان، تنوع درآمد را با خرابی بازار اعتبارات در اقتصاد روستایی کشورهای در حال توسعه مرتبط می‌دانند. با انجام فعالیت‌های غیر زراعی، خانوارهای کشاورز می‌توانند درآمد نقدی کسب کنند تا جایگزینی برای نبود اعتبارات یا اعتبارات با هزینه بالا باشد و بتوانند نهاده‌های نقدی برای تولیدات زراعی بخرند یا در مزرعه سرمایه‌گذاری کنند. این تعیین کننده‌های تنوع گرچه از لحاظ مفهومی ممکن است متمایز از یکدیگر باشند ولی در عمل به ندرت قابل جدا شدن هستند.

چاپلین (Chaplin, 2007) نیز با انجام تحقیقی اظهار می‌دارد که خانوارهای زارع که تمایل بیشتری به تنوع اقتصادی داشتند کسانی بودند که درآمد کشاورزی پایینی داشتند و همچنین نیروی کار کمی در اختیار داشتند. همچنین وی بیان می‌کند که به خاطر سن خانوارها و علاقه به تمرکز روی کار کشاورزی، احتمال اینکه تنوع اقتصادی در کوتاه مدت اتفاق بیافتد کم است.

⁵ . Trade-off

لانجو و همکاران (Lanjou et al., 2001) با انجام مطالعه‌ای در تانزانیا عنوان می‌کنند که وابستگی‌های قبیله‌ای و خویشاوندی و زمان اختصاص داده شده به فعالیت‌های گروهی به نظر می‌رسد بازدارنده کارهای غیر زراعی باشد اما اعتماد به مقامات رسمی و مأمورین دولتی در تحریک فعالیت‌های غیر زراعی مهم هستند. عوامل تعیین کننده تنوع را می‌توان به صورت نمودار ۱ نشان داد.



نمودار(۱): عوامل تعیین کننده تنوع اقتصادی (منبع: یافته‌های تحقیق)

مراحل توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی

استارت (Start, 2001) چگونگی ارتباط بین شکل‌های مختلف اقتصاد روستایی غیر زراعی به همراه سیر زمانی آن را در یک مدل ۴ مرحله‌ای نشان می‌دهد:

مرحله اول: در این مرحله جوامع معیشتی و قبل مدرن، دارای ویژگی‌های روستاهای دور افتاده و شهری شدن کم، اقتصاد روستایی غیر زراعی در حد پایین و تنها فراهم کننده خدمات بومی می‌باشد.

مرحله دوم: در مرحله دوم رشد کشاورزی و تا حدی دیگر بخش‌ها ایجاد می‌شود و بهره‌وری افزایش می‌یابد، رشد مازاد تولید و درآمد وجود دارد و تنوع روستایی رونق می‌گیرد. اقتصاد روستایی غیر زراعی می‌تواند انباشت سرمایه کند و گسترش یابد.

مرحله سوم: در دو مرحله قبلی اقتصاد غیر زراعی می‌توانست در مناطق روستایی نسبتاً ایزوله (دارای ارتباطات ضعیف با سایر نقاط) توسعه پیدا کند چون به خاطر ارتباط ضعیف روستا با شهر و به خاطر عدم توانایی افراد فقیر برای این که کالاهای شهری را وارد کنند، اقتصاد غیر زراعی روستا چندان در رقابت با اقتصاد شهری نبود. اما در این مرحله اگر چه توسعه ادامه پیدا می‌کند و درآمد افزایش می‌یابد و هزینه‌های انجام کار و همچنین هزینه‌های نقل و انتقالات کاهش می‌یابد، ولی به خاطر رقابت با شهر

اقتصاد غیر زراعی روستا دچار افت می‌شود. چون همان‌طور که توسعه باعث کاهش هزینه‌های انجام کار و هزینه نقل و انتقالات می‌شود، هزینه واردات محصولات شهری را نیز کم می‌کند و با افزایش قدرت خرید روستائیان، ترجیحات روستایی به سمت خدمات و تولیدات مدرن شهری تغییر پیدا می‌کند.

مرحله چهارم: در مرحله چهارم نوع جدیدی از ارتباط با اقتصاد شهری جهانی شده و متراکم ایجاد می‌شود. با رشد شهرنشینی همان عواملی که باعث مزیت اقتصادی کار در مقیاس وسیع می‌شوند، خیلی سریع باعث ازدحام شهری و محدود شدن منابع و بالا رفتن هزینه‌ها می‌شوند. بزودی صنایع در مکانهای خارج از شهر واقع می‌شوند و راههای ارتباطی عمده بین شهرها و جای که منابع ارزان باشد، برقرار می‌شود. کم‌کم این صنایع دوباره به روستاها منتقل می‌شود و باعث رشد و توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی می‌شود که از مزیت هزینه‌های کمتر زمین، آب، انرژی و نیروی کار بهره می‌برند. مراحل توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی در جدول ۱ خلاصه شده است.

استارت (Start, 2001) تأکید می‌کند که نمی‌توان این مدل را به صورت ثابت به کار برد و قسمت‌های مختلف اقتصادی با سرعت‌های متفاوتی توسعه پیدا خواهند کرد و هر مکان روستایی درجات متنوعی از مراحل مختلف را به طور همزمان سپری می‌کند. شرایط واقعی به سطح توسعه کشاورزی، درآمد روستایی، زیرساخت‌های روستایی و میزان شهری شدن، وابسته است.

جدول (۱) - مراحل توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی

مراحل اقتصادی غیر زراعی	مراحل توسعه کشاورزی	سطح دور افتادگی (پرت بودن روستا)	سطح شهری شدن	محل تولیدات غیر زراعی	سطح تکنولوژی، انباشت سرمایه و بازده اقتصاد غیر زراعی
۱) سنتی	قبل مدرن و معیشتی	بالا	پایین	روستا (محدود بودن اقتصاد غیر زراعی به خاطر قدرت خرید پایین افراد)	پایین (تولیدات معیشتی سنتی)
۲) ارتباطات محلی	شروع رشد کشاورزی تکنولوژی محور	بالا	پایین	روستا (توسعه اقتصاد غیر زراعی به خاطر رشد کشاورزی)	کم تا متوسط (تا حدی بهبود تکنولوژی و سرمایه)
۳) ارتباط با مناطق شهری	بهبود بازاریابی شهری	پایین (جاده‌های جدید، دسترسی به بازارهای شهری)	پایین	شهر (کنار زده شدن اقتصاد غیر زراعی در رقابت با خدمات و کالاهای شهری)	متوسط تا زیاد (سرمایه‌گذاری در مقیاس وسیع در مناطق شهری، و نیاز به مدرن شدن اقتصاد روستایی غیر زراعی برای بقا)
۴) ارتباطات جدید شهری	افزایش تقاضای شهری	پایین	بالا (تراکم و افزایش قیمت‌ها)	تغییر به سمت روستا (استفاده از مزایای روستا به خاطر تخصص‌های انعطاف‌پذیر)	کم تا زیاد (از صنایع کوچک به سمت واحدهای قراردادی و گروه‌های کاری)

منبع: اقتباس از Start, 2001

ارتباط درآمد غیر زراعی با بخش کشاورزی

محدودیت‌های اعتباری اغلب به عنوان یکی از دلایل عمده‌ای مطرح است که باعث می‌شود خانوارهای فقیر، همچنان فقیر باقی بمانند. این مسئله خصوصاً در مناطق روستایی صادق است، جایی که اکثر خانواده‌ها فقیر هستند و در دسترسی به اعتبارات برای سرمایه‌گذاری روی تولید و پرداخت هزینه‌ها دچار مشکل هستند. خانوارهای روستایی اکثراً به فعالیت‌های کشاورزی مشغول هستند و اغلب برای خرید نهاده‌های کشاورزی به منظور افزایش تولید یا دسترسی به سرمایه برای گسترش تولید دچار مشکل

هستند. ناکافی بودن اعتبارات و عدم بازارهای مطمئن باعث می‌شود خانوارها تصمیم‌گیری در مورد تولیدات را به نحوی مدیریت کنند که ریسک را کاهش دهند.

یکی از راههای غلبه بر محدودیت‌های اعتباری و بازارهای نامطمئن، تنوع در معیشت و فعالیتهای غیر زراعی می‌باشد. فعالیتهای غیر زراعی موقعی که همراه با فعالیتهای کشاورزی باشد دچار عدم ثبات کمتری می‌شود (Oseni, 2007).

فرانسیس نیونگسا (Francis Nyongesa, 1993) با انجام تحقیقی عنوان می‌کند که درآمد غیر زراعی نقش مهمی در افزایش تولید زراعی بازی می‌کند. اوسنی (Oseni, 2007) نیز با انجام تحقیقی بیان می‌کند که نتایج نشان می‌دهد مشارکت در فعالیتهای غیر زراعی می‌تواند محدودیت‌های اعتباری که خانوارها در کارهای زراعی با آن مواجه هستند را تسهیل کند و ریسک‌ها را کاهش داده و در بهبود تولیدات زراعی به خانوارها کمک کند. البته عواملی مثل محیط فیزیکی (زیر ساخت‌ها)، محیط سازمانی و اقتصادی (بازارها)، خط مشی‌های دولت، نوع فعالیتهای غیر زراعی قابل دسترس، و چگونگی کنترل فعالیتهای زراعی و غیر زراعی در درون خانوار، در سرمایه‌گذاری منافع حاصل از فعالیتهای غیر زراعی در بخش زراعی تأثیر گذار هستند.

همچنین الیس (Ellis, 1998) در ارتباط با تأثیر کشاورزی روی فعالیتهای غیر زراعی معتقد است که رشد در کشاورزی محرک‌های برای رشد فعالیتهای غیر زراعی روستایی در کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. دلیل این امر این است که با رشد کشاورزی میزان مصرف کالا و خدمات تولید شده در محل توسط خانوارهای زارع بیشتر می‌شود که شامل کالا و خدمات مصرفی، نهاده‌ها و خدمات مورد نیاز برای تولیدات کشاورزی و خدمات بازاریابی و فرآوری محصولات زراعی می‌باشد.

تأثیر اقتصاد غیر زراعی روی معیشت

الیس (Ellis, 1998) عنوان می‌کند تنوع درآمد ممکن است دارای نتایج زیر باشد:

- ۱) ریسک ناشی از نقصان درآمد را کاهش می‌دهد؛ به خاطر این که با وجود چند منبع درآمد، تأثیر نقصان درآمد در یکی از منابع درآمدی چندان به چشم نمی‌آید.
- ۲) باعث کاهش تغییرات درآمد در طول سال می‌شود؛ چون تأثیر فصلی بودن درآمد مزرعه را کاهش می‌دهد و فرد در طول سال دارای درآمد می‌باشد.
- ۳) تغییرات درآمد در سالهای مختلف که در نتیجه ناپایداری بازارها و تولیدات کشاورزی ایجاد می‌شود را کاهش می‌دهد. توانایی برای ایجاد تنوع، به خصوص برای خانوارهای فقیر که در برابر افت‌های غیر منتظره سطح درآمد سالانه کمتر حاشیه امنیت دارند، حائز اهمیت می‌باشد چون خانوارهای فقیر در مقابل عوامل ریسک و فصلی بودن درآمد، نسبت به سایرین آسیب پذیرتر هستند. تنوع درآمد نقش مهمی در امنیت غذایی خانوار بازی می‌کند، به خصوص در فصل قبل از برداشت محصول که با کمبود بودجه مواجه هستند (همان منبع).

فعالیت‌های غیر زراعی روستایی یک بخش خیلی متنوع است که می‌تواند شامل فعالیتهای گوناگونی باشد. بسیاری از ناظران فعالیت‌های غیر زراعی روستایی را به دو دسته تقسیم می‌کنند: فعالیتهای با بازده بالا که معمولاً برای کسانی قابل دسترس هستند که مهارت و سرمایه دارند و فعالیتهای با بازده کم که برای افراد فقیر قابل دسترس هستند (Ashley & Maxwell, 2001). کارهای با منفعت زیاد، معمولاً همراه با استخدام رسمی و کارهای سرمایه بر مدرن هستند و کارهای کم درآمد غالباً همراه با مهارتهای سنتی و کارهای دستی هستند. معمولاً منفعت بالای فعالیتهای غیر زراعی بالاتر از منفعت بالای کشاورزی است و در مقابل منفعت پایین فعالیتهای غیر زراعی هم پایین تر از منفعت پایین کشاورزی است یعنی دامنه درآمد غیر زراعی خیلی گسترده تر است (Start, 2001).

الیس (Ellis, 1998) بیان می‌کند توانا سازی افراد فقیر برای کسب درآمد کافی برای بقای خود یک مطلب است و کاهش اختلاف درآمد بین فقراء و افراد ثروتمند مطلب دیگری است. برخی معتقدند تنوع باعث ایجاد برابری در اقتصاد روستایی می‌شود ولی برخی دیگر نیز برعکس آن معتقدند. این تأثیر تا حد زیادی به شرایط زمینه بستگی دارد. الیس معتقد است هر چند چندین مطالعه نشان داد که خانوارهای غنی‌تر نسبت به خانوارهای فقیرتر سهم بیشتری از درآمد خود را از منابع غیر زراعی تأمین می‌کنند ولی این نکته ناسازگار با نقش حیاتی تنوع درآمد برای خانوارهای فقیر نیست، بلکه صرفاً روشن‌گر این مطلب است که خانوارهای غنی‌تر نسبت به فقراء به کارهای مطلوب‌تر مشغول می‌شوند. دلیل عمده این تأثیر نیز به خاطر کمبود دارایی‌های افراد فقیر و محرومیت شان از کارهای پرمفعت به خاطر محدودیت‌های آموزشی و مهارتی که دارند، می‌باشد. اوسنی (Oseni, 2007) با انجام تحقیقی بیان می‌کند که خانوارهای که دارای درآمد غیر زراعی بودند نه تنها بچه‌های آنها بیشتر در مدارس ثبت نام کرده بودند، بلکه همچنین کودکان مربوط به این خانوارها نسبت به خانوارهای که درآمد غیر زراعی نداشتند سالهای تحصیل بیشتری را سپری کردند.

ارتباط درآمد غیر زراعی و مهاجرت روستائیان

مهاجرت و ارتباط آن با توسعه روستایی برای تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران بسیار حائز اهمیت می‌باشد (Murphy, 2000). مدل‌های مهاجرت روستا به شهر معمولاً این‌طور فرض می‌کنند که کار و درآمد روستایی عمدتاً از اقتصاد زراعی حاصل می‌شود. اما مطالعات زیادی روی بازار نیروی کار روستایی در کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند که بخش قابل توجهی از اشتغال روستایی به فعالیت‌های غیر زراعی مربوط می‌شود (Ricardo Chaves, 1994).

ریکاردو چاوز (Ricardo Chaves, 1994) با انجام تحقیقی اظهار می‌دارد که در مناطقی با متوسط تولید کشاورزی پایین، سهم درآمد غیر زراعی در درآمد روستائیان حائز اهمیت می‌باشد همچنین نتایج نشان می‌دهد که درآمد روستایی به‌طور منفی با مهاجرت به خارج از روستا ارتباط دارد. اقتصاد روستایی غیر زراعی یک مانع مهم برای مهاجرت به خارج از روستا در مناطقی است که متوسط تولیدات کشاورزی پایین می‌باشد.

با سیاست‌گذاری مناسب و فراهم کردن شرایط مطلوب، اقتصاد غیر زراعی نه تنها می‌تواند از مهاجرت روستائیان جلوگیری کند بلکه می‌تواند باعث بازگشت مهاجرین قبلی به زادگاه خود و انجام فعالیت‌های غیر زراعی شود. بازگشت مهاجرین و انجام کارهای خاص، یک عامل کلیدی برای انتقال اطلاعات و کارآفرینی در مناطق روستایی فقیر می‌باشد. مورفی (Murphy, 1999) معتقد است این منطقی به نظر می‌رسد که فرض کنیم که برگشت افراد مهاجر به زادگاه خود و استفاده از پول و مهارت خود برای کارآفرینی در محل، به افراد فقیر کمک می‌کند تا معیشت خود را تنوع بخشند ولی همزمان می‌تواند باعث مهاجرت افراد به شهرها شود. مورفی (Murphy, 2000) با انجام تحقیقی بیان می‌کند که مهاجرین کارآفرین که برگشتند نسبت به جمعیت بومی و سایر مهاجرین که برگشتند، دارای سطح سواد بالاتر، سطح مهارت بیشتر، دسترسی بهتر به اطلاعات و آرزوهای شخصی بالاتر داشتند.

خط مشی‌های مرتبط با تنوع اقتصادی

الیس (Ellis, 1998) با مرور تحقیقات انجام شده، خط‌مشی‌های مرتبط با تنوع اقتصاد روستایی را شامل موارد زیر می‌داند:

- **تعیین گروه هدف:** هدف از تعیین گروه هدف، فراهم کردن یک شبکه ایمنی حمایت از حداقل درآمد برای گروه‌های اجتماعی است که نسبت به حوادث یا نارسایی‌هایی که ممکن است باعث کمبود غذایی یا فقر شود، آسیب‌پذیرتر هستند. دو نوع عمده تعیین گروه هدف وجود دارد:

تعیین گروه هدف با استفاده از شاخص، که گروه‌های اجتماعی از قبیل (افراد بی‌زمین، افراد مسن، افراد معلول و غیره) که بیشتر نیاز به حمایت دارند را شناسایی می‌کنند.

تعیین گروه هدف با استفاده از خود افراد، که دستمزد یا غذا در ازای کار در سطحی که افراد فقیر قادر به بقاء باشند فراهم می‌شود، البته این دستمزد آنقدر بالا نیست که برای افراد غنی‌تر جذاب باشد. برای تعیین موفقیت آمیز گروه هدف نیاز به اطلاعات درباره بروز فصلی و مکانی کمبود غذایی و محرومیت می‌باشد.

- **کاهش ریسک**، ریسک ارتباط نزدیکی با نارسایی بازار دارد و نارسایی بازار با هزینه‌های داد و ستد بالا، ناپایداری اجتماعی و سیاسی، کمبود قوانین و مقررات، اطلاعات ضعیف، و زیر ساخت‌های نامناسب مرتبط است.

- **اعتبارات خرد**، کمبود اعتبارت به عنوان یکی از موانع تنوع، مورد تأکید اکثر افراد می‌باشد و مثال‌های فراوانی از موفقیت طرح‌های وام‌دهی به گروه‌های کوچک وجود دارد که افراد و خانوارها را قادر ساخت تا حق انتخاب‌های کسب درآمد خود را گسترش دهند.

- **خدمات روستایی**، در بسیاری از شرایط بخش خدمات می‌تواند نقش گسترده‌تری را در استخدام و تولید درآمد نسبت به حالت معمول ایفا کند. بخش خدمات شامل، خدمات متعارف کشاورزی مثل بازاریابی و تأمین نهاده‌ها، تعمیرات ماشین آلات و غیره و همچنین دامنه گسترده‌ای از خدمات مربوط به مصرف خانوارها می‌باشد.

- **مؤسسه‌های اقتصادی غیر زراعی روستایی**، این قسمت از خط‌مشی‌های است که به صورت طولانی مدت در پیش‌نه‌نگاشته‌ها متداول بوده است و در دوره‌های مختلف شکل‌های مختلف داشته است، برای مثال صنایع کوچک روستایی^۶ و مؤسسه اقتصادی کوچک.

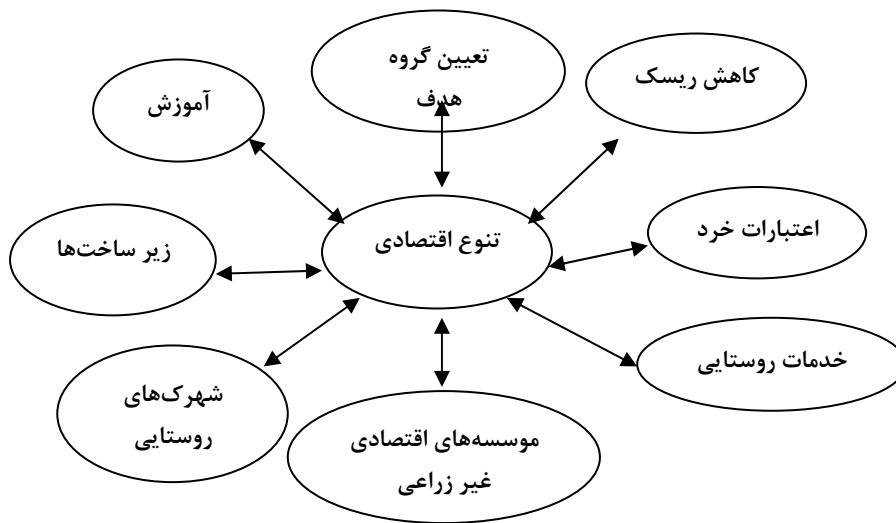
- **شهرک‌های روستایی**^۷، نقش شهرک‌های روستایی به عنوان نقاط مهم بالقوه برای رشد اقتصادی معمولاً نادیده گرفته می‌شود. تحقیقات متعددی اهمیت شهرک‌های روستایی به عنوان نقاط مهم امکان تولید غیر زراعی را نشان داده‌اند.

- **زیر ساخت‌ها**، نقش توانمند سازی تسهیلات زیر ساختی دارای تاریخچه طولانی از دهه ۱۹۶۰ در پروژه‌های توسعه تا دهه ۱۹۹۰ و توسعه مشارکتی جامعه می‌باشد.

- **آموزش**، تمام مطالعات موافق این بودند که آموزش تسهیلگر مهم تنوع معیشت می‌باشد و کمبود آموزش توسط محققان متعدد به عنوان مانع جدی تنوع تشخیص داده شد. از آنجایی که فقر ارتباط نزدیکی با سطح پایین آموزش و کمبود مهارت دارد، آموزش یک عامل کلیدی برای کمک به خانوارهای مرفع برای ایجاد تنوع است. ارائه آموزش و دادن مهارت به خانوارهای فقیر روستایی احتمالاً تأثیر زیادی در توانایی افراد برای تنوع بخشیدن به منابع درآمد خود دارد. خط‌مشی‌های مرتبط با تنوع اقتصادی در نمودار ۲ نشان داده شده است.

^۶ . Micro enterprise

^۷ . Rural towns



نمودار (۲): خط مشی‌های مرتبط با تنوع اقتصادی

نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط پیش رو در مناطق روستایی، به خاطر افزایش جمعیت و پیشرفت تکنولوژی و کاهش نیروی انسانی مورد نیاز، در آینده بخش کشاورزی قادر به تأمین اشتغال برای تمام روستائیان نمی‌باشد و از طرف دیگر به خاطر مشکلات بخش کشاورزی از جمله فصلی بودن کار و درآمد در بخش کشاورزی، ریسک بالا و کمبود اعتبارات نقدی کشاورزان، لزوم توجه بیشتر به اقتصاد روستایی غیر زراعی و داشتن درآمد غیر زراعی در کنار درآمد زراعی مشهود به نظر می‌رسد، لذا نقش اقتصاد غیر زراعی در توسعه روستایی توسط سیاست‌گذاران نباید نادیده گرفته شود. نکته قابل توجه در این میان این است که برنامه‌ریزان روستایی نباید تعیین خط‌مشی‌های توسعه روستایی را به عنوان انتخاب بین سرمایه‌گذاری روی کشاورزی یا سرمایه‌گذاری غیر کشاورزی، یا به عبارتی انتخاب بین استراتژیهای توسعه کشاورزی محور یا رهیافت‌های غیر کشاورزی بدانند، بلکه هر کدام از این بخش‌ها می‌تواند دیگری را تغذیه کند و به عنوان مکمل آن باشد. ایجاد تعادل در سرمایه‌گذاری بین این دو بخش به نوع منطقه روستایی و توانایی‌های بالقوه آن و مرحله‌ای از توسعه که در آن قرار دارد وابسته است. مکانهای روستایی مختلف که در مراحل مختلف توسعه قرار دارند برای توسعه اقتصاد غیر زراعی به مداخله‌گرهای متفاوتی از طرف دولت نیازمند هستند و یک فرمول ساده برای سیاست‌گذاران وجود ندارد. برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی امری حساس است و باید تمامی جنبه‌ها در نظر گرفته شود، برای مثال بهبود زیر ساخت‌های روستایی از یک طرف می‌تواند باعث توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی شود ولی از طرف دیگر می‌تواند باعث ورود راحت‌تر کالاهای شهری به مناطق روستایی و رقابت با اقتصاد روستایی غیر زراعی شود. همچنین سبک و سنگین کردن بین رهیافت‌های حمایت‌کننده فقرا و رهیافت‌های حمایت‌کننده رشد باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادات

با توجه به مطالب گفته شده، برای توسعه اقتصاد روستایی غیر زراعی پیشنهادات زیر می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد:

- تواناییهای بالقوه هر منطقه روستایی برای توسعه اقتصاد غیر زراعی توسط برنامه‌ریزان شناسایی شود و از مزایای موجود در هر منطقه استفاده شود.

- (۲) اکثر تحقیقات نشان دهنده تأثیر مثبت سواد و آموزش روی کارهای غیر زراعی بوده است، این افراد نه تنها در پیدا کردن کارهای غیر زراعی راحت‌تر هستند، بلکه همچنین آنها درآمد بیشتری نیز از این کارها بدست می‌آورند. لذا یکی از نکاتی که باید مورد توجه برنامه‌ریزان باشد مسئله سواد آموزی و دادن آموزش و مهارت لازم به افراد روستایی برای پرداختن به کارهای غیر زراعی می‌باشد.
- (۳) یکی دیگر از مواردی که برای توسعه اقتصاد غیر زراعی مورد تأکید اکثر محققان قرار گرفته است، نیاز به سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها به خصوص برق و تأمین آب می‌باشد که باید مورد توجه برنامه‌ریزان توسعه باشد.
- (۴) از جمله راه‌حل‌های پیشنهادی برای توسعه اقتصاد غیر زراعی، توسعه کسب و کار در یک یا دو شهرک روستایی در هر بخش می‌باشد. در این حالت کارگران می‌توانند به زندگی در روستا ادامه دهند و به صورت روزانه به محل کار رفت و آمد کنند. مزیت این راه‌حل نسبت به موقعی که این افراد بخواهند با خانواده‌های خود به شهرها مهاجرت کنند این است که به سرمایه کمتری نیاز دارد.
- (۵) از بخش‌های که برای توسعه اقتصاد غیر زراعی می‌تواند حائز اهمیت باشد ایجاد صنایع فراوری کشاورزی (مثل فراوری شیر یا نیشکر) و همچنین صنایع ساخت ابزار و تجهیزات کشاورزی می‌باشد که می‌تواند در مقیاس کوچک توسط خود افراد و با کمک تسهیلات دولتی احداث شود یا در اندازه‌های بزرگتر توسط دولت در مناطق روستایی احداث گردد که می‌تواند هم باعث اشتغال روستائیان و هم رونق بخش کشاورزی در این مناطق شود.
- (۶) بخش خصوصی معمولاً به خاطر مشکلاتی که وجود دارد (از جمله زیر ساخت‌های نامناسب مناطق روستایی) تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی ندارد. دولت می‌تواند با دادن مشوق‌های به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی مثل کم کردن مالیات و دادن سوبسید، برای سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی و ایجاد و توسعه اشتغال در مناطق روستایی اقدامات مؤثری انجام دهد.
- (۷) کمبود اعتبارات به عنوان یکی از موانع ایجاد تنوع اقتصادی، مورد تأکید اکثر محققان می‌باشد. طرح‌های مثل وام‌دهی به گروه‌های کوچک، دادن وام به طرح‌های کارآفرینی، دادن تسهیلات خود اشتغالی به جوانان، در مناطق روستایی می‌تواند در رفع مشکلات مؤثر باشد.
- (۸) هر چند گسترش فعالیت‌های غیر زراعی مطلوب به نظر می‌رسد ولی این امکان وجود دارد که درصد زیادی از جمعیت روستایی که وضعیت مالی ضعیف‌تری دارند، دسترسی محدودی به فعالیت‌های غیر زراعی داشته باشند. لذا برنامه‌ریزان باید تسهیلاتی برای افراد فقیر فراهم کنند که آنها نیز به کارهای غیر زراعی با منفعت خوب دسترسی پیدا کنند تا عدالت اجتماعی نیز برقرار شود.

منابع

- ارضروم چیلر، ن. (۱۳۸۴)، ابعاد گوناگون فقر در ایران. *مجموع پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاست‌های اقتصادی*. قابل دسترس در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: www.cbi.ir
- بلالی، ح.، و ص. خلیلیان (۱۳۸۲)، تأثیر سرمایه‌گذاری بر اشتغالزایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال یازدهم، شماره ۴۱ و ۴۲، ص. ۱۳۶-۱۱۷.
- پاسبان، ف. (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال غیر زراعی در استان خراسان. *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، ۸ و ۹ آبان ماه ۱۳۸۶، مشهد مقدس.

جعفری ثانی، م. و م. بخشوده (۱۳۸۶)، مقایسه فقر و ناامنی غذایی خانوارهای روستایی و شهری استان خراسان. *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، ۸ و ۹ آبان ماه ۱۳۸۶، مشهد مقدس.

حسن زاده، ع. و ص. قویدل (۱۳۸۴)، چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران، مقایسه تطبیقی صندوقهای قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ص. ۱۶۸-۱۴۱.

زاهدی مازندرانی، م.ج. (۱۳۸۴)، توان پس‌انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستائیان در فرآیند توسعه. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ص. ۵۶-۲۰.

شفیعی ثابت، ن.، مهدوی وفا، ح.، براتی طرقي، ا. و م. باژن (۱۳۸۶)، تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال کشاورزی در زمینه گسترش فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی استان تهران. *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، ۸ و ۹ آبان ماه ۱۳۸۶، مشهد مقدس.

عرب مازار، ع. و س.م. حسینی‌نژاد (۱۳۸۳)، برآورد میزان فقر و شدت آن در گروههای مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص. ۱۴۰-۱۱۳.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، *گزیده اطلاعات آماری*. قابل دسترس در سایت مرکز آمار ایران: www.sci.org.ir

نجفی، ب. و و. یعقوبی (۱۳۸۴)، تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ص. ۲۶-۱.

ویلیام مور، ج. (۱۳۸۳)، توسعه کشاورزی در ایران: تعامل هدفها و راهبردها. ترجمه گروه توسعه پایدار کشاورزی در موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص. ۱۸-۱.

- Ashley, C., and S. Maxwell (2001), Rethinking rural development. *Development Policy Review*, 19(4), 395-425.
- Carter, S. (1999), Multiple business ownership in the farm sector: assessing the enterprise and employment contributions of farmers in Cambridgeshire. *Journal of Rural Studies*, 15, 417-429.
- Chaplin, H., Gorton, M., and S. Davidova, (2007), Impediments to the Diversification of Rural Economies in Central and Eastern Europe: Evidence from Small-scale Farms in Poland. *Regional Studies*, 41(3), 361.
- Ellis, F. (1998), Household strategies and rural livelihood diversification. *The Journal of Development Studies*, 35(1), 1-38.
- Francis Nyongesa, W. (1993), Farm and nonfarm activities: A study of their linkages and impact upon rural development in Kakamega District, Kenya. Ph.D. dissertation, Clark University, United States -- Massachusetts. Retrieved November 30, 2007, from ProQuest Digital Dissertations database. (Publication No. AAT 9410642).
- Johnson, D.J. (2002), Can agricultural labour adjustment occur primarily through creation of rural non-farm jobs in China? *Urban Studies*, 39(12), 2163-2174
- Jones, R.A. (1985), *Research methods in the social and behavioral sciences*. Massachusetts: Sinauer Associates Inc.
- Lanjouw, P., Quizon, J., and R. Sparrow (2001), Non-agricultural earnings in peri-urban areas of Tanzania: evidence from household survey data. *Food Policy*, 26, 385-403.
- Murphy, R. (1999), Return migrant entrepreneurs and economic diversification in two counties in south Jiangxi, China. *Journal of International Development*, 11(4), 661-672.
- Murphy, R. (2000), Return migration, entrepreneurship and local state corporatism in rural China: The experience of two counties in south Jiangxi. *Journal of Contemporary China*, 9(24), 231-247.
- Oseni, G. (2007), Agricultural production, human capital, and rural nonfarm activities: Evidence from Nigeria. Ph.D. dissertation, The American University, United States -- District of Columbia.



Retrieved November 2, 2007, from ProQuest Digital Dissertations database. (Publication No. AAT 3256960).

- Ricardo Chaves, L. (1994), The effect of off-farm economic activities on rural-urban migration in Brazil. Ph.D. dissertation, The University of Tennessee, United States -- Tennessee. Retrieved November 2, 2007, from ProQuest Digital Dissertations database. (Publication No. AAT 9527227).
- Start, D. (2001), The rise and fall of the rural non-farm economy: poverty impacts and policy option. *Development Policy Review*, 19(4), 491-505.



Non-farm economy: an alternative toward sustainable rural development and poor reduction

T. Azizi Khalkheili & Gh. H. Zamani⁸

Abstract

Dominant activity in rural areas of Iran, like many countries, is agriculture. Considering to raising population and limited potential in order to absorb new labor in this sector, it should be recognized other complementary alternative causing new work opportunities for rural people. All over the world, in terms of considerable growth in non-farm activities and its significant role to reach rural development, diversification in rural family livelihood strategies has been considered by many development experts. Creating diversity may affect differently on rural poor people abilities to earn sufficient income and also on social gap in rural areas; therefore, accurate investigation and proper planning and policy making is needed for using non-farm activities potential for profit making and improvement of rural people to enable rural family for playing significant role in future economic of country. In this study that has been conducted by library and archival methodology, some aspects such as: Rural economic of Iran, diversity and economic diversity concepts, determinants of economic diversity, steps of rural non-farm economy development, connection between agriculture sector and non-farm income, effect of non-farm economy on livelihood, non-farm economy connection with rural migration, and policies related to economic diversity were explored. Finally, on the basis of conclusion from the analysis, some applicable recommendations are presented

Keywords: *Non-farm economy, Sustainable development, Rural poor*

⁸ . Ph.D. Student in Agricultural Extension & Education & Professor of Agricultural Extension and Education respectively, Shiraz University, Iran (Email: azizi.taher@gmail.com).